



کلانتری، عبدالحسین و حسینی‌زاده آرانی، سیدسعید. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط میان مشارکت در شبکه‌های نهادی اجتماعی و تجربه احساس تنهایی (مورد مطالعه: کلانشهر تهران). *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۱(۴)، ۱۳۴-۱۰۹.

## بررسی ارتباط میان مشارکت در شبکه‌های نهادی اجتماعی و تجربه احساس تنهایی (مورد مطالعه: کلان شهر تهران)

عبدالحسین کلانتری<sup>۱</sup> و سید سعید حسینی‌زاده آرانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۳

### چکیده

هدف از مطالعه حاضر بررسی ارتباط میان مشارکت در شبکه‌های نهادی اجتماعی و تجربه احساس تنهایی در بین شهروندان کلان شهر تهران بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه را کلیه شهروندان بالغ کلانشهر تهران دادند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۵۲۴ نفرشان با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات فرم کوتاه‌شده مقیاس احساس تنهایی اجتماعی-عاطفی بزرگسالان (SELSA-S)، مقیاس حمایت اجتماعی لین و مقیاس سنجش مشارکت در شبکه‌های نهادی اجتماعی بوده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات به وسیله نرم افزار SPSS16 نشان داد که میزان مشارکت ۵۸ درصد از حجم نمونه مورد بررسی در شبکه‌های نهادی اجتماعی در حد متوسط رو به پایین بود. علاوه بر این، میزان حمایت دریافتی ۴۷ درصد از افراد مورد بررسی در حد بالا بوده و ۵۰/۶ درصد از آنها نیز در حد متوسط رو به پایین احساس تنهایی را تجربه کردند. یافته‌های تحلیلی نیز حاکی از آن هستند که فرضیه ارتباط میان میزان مشارکت در شبکه‌های نهادی اجتماعی با میزان حمایت اجتماعی دریافتی (۰/۱۸۰) معنادار بوده است. همچنین، رابطه میان میزان مشارکت در شبکه‌های نهادی اجتماعی (۰/۲۴۰-) و میزان حمایت اجتماعی دریافتی (۰/۵۵۲-) با سطح تجربه احساس تنهایی، رابطه‌ای معنادار و معکوس می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** شبکه نهادی اجتماعی رسمی؛ شبکه نهادی اجتماعی غیر رسمی؛ روابط اجتماعی؛ حمایت اجتماعی؛ احساس تنهایی

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ abkalantari@ut.ac.ir

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، hoseynizadeh69@ut.ac.ir

### مقدمه و طرح مسئله

در هر جامعه‌ای خرده نظام اجتماع در ارتباط با سایر خرده نظام‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اصلی‌ترین منبع و قلمرو روابط و تعاملات اجتماعی توأم با احساسات و عواطف است. همچنین خرده نظام اجتماع مولد تعهدات متقابل برای ارتباط کنشگران با یکدیگر است که همبستگی، انسجام و هم‌افزایی لازم برای سلامت جسمانی، روانی و شور و نشاط اجتماعی کنشگران را فراهم می‌کند. کنشگران هر نظام اجتماعی با گسترش تعاملات و پیوندهای اجتماعی خود با دیگران، کنش‌های خود را در ساختار اجتماعی تسهیل می‌کنند و از این طریق به اهداف خود دست می‌یابند. در جوامع سنتی، غلبه اجتماع بر سایر خرده نظامها منجر به بسط تعاملات اجتماعی اعضای جامعه می‌شده است (عبدالهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۹۷). لیتواین<sup>۱</sup> اشاره نمودند که در جوامع مدرن و امروزی نیز علی‌رغم پیدایش و گسترش نهاد های مدنی جدید و رشد سرمایه‌های اجتماعی میان گروهی، زندگی اجتماعی نسبتاً سرد و بی‌روح گردیده و کنش‌های اجتماعی تحت الشعاع کنش‌های ابزاری قرار گرفته‌اند. با این حال علاوه بر جامعه در سطح کلان که تعاملات گسترده‌ای را در خود جای می‌دهد، شاهد توسعه اجتماعات شبکه‌ای هستیم. اجتماعات شبکه‌ای یا به عبارتی شبکه‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از پیوندهای انجمنی میان فردی محسوب می‌گردند که افراد در سنین متفاوت، آنها را در عرصه‌های گوناگون زندگی خود تجربه کرده‌اند (ونجر، ۱۹۹۶). بنابر نظریه تحلیل شبکه، روابط و پیوندهای اجتماعی در چهارچوب این اجتماعات، به منزله نوعی سرمایه اجتماعی و دارایی فردی تلقی گشته که افراد به واسطه آنها، به منابع و حمایت‌های موجود در این پیوندها دسترسی می‌یابند. بر این مبنا چگونگی و میزان روابط اجتماعی کنشگران و حمایت اجتماعی کسب شده‌ی کنشگران اهمیت می‌یابد (باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶: ۶۴). به عبارت دیگر، می‌توان بیان کرد که انجمن‌های اجتماعی و روابط شبکه‌ای، نقش بسیار مؤثری در ایجاد تعلق اجتماعی در جوامع دارند و می‌توانند به عنوان حلقه‌های اتصال افراد و گروه‌ها، انسجام بخش جامعه در نظر گرفته شوند و افراد را به شهروندانی مسئول و صمیمی تبدیل کنند. از جمله آثار کلان این شبکه‌ها و انجمن‌ها را تسهیل در امر ادخال اجتماعی، تقویت و تعمیم همبستگی اجتماعی و تقویت مشارکت فعالانه و داوطلبانه اکثریت افراد در امور اجتماعی مختلف می‌دانند (چلپی، ۱۳۷۲: ۲۹۰). افراد در قالب این اجتماعات شبکه‌ای، حمایت‌های متنوعی را از اعضای شبکه خود دریافت می‌کنند. مطالعات گسترده در مورد حمایت اجتماعی نشان می‌دهد که خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران منابع مهمی می‌باشند که

<sup>۱</sup>. Litwain

می‌توان در صورت نیاز به آنها مراجعه کرد. پیوندهای گوناگون، حمایت‌های اجتماعی متنوعی را برای اعضای شبکه فراهم می‌سازند؛ به عبارت دیگر، افراد با تنوع روابط خود، به طیف وسیعی از حمایت‌های مختلف دست می‌یابند که آنان را قادر می‌سازد تا توانایی رویارویی با مشکلات روزمره و بحران‌های زندگی شهری را داشته باشند. در نتیجه مانع ایجاد و ترویج آسیب‌های اجتماعی از قبیل انزوا و احساس تنهایی می‌شوند.

پدیده احساس تنهایی از یکسو دارای علل اجتماعی است و از سوی دیگر با توجه به پیامدهای اجتماعی‌اش می‌تواند مورد پژوهش جامعه‌شناختی قرار بگیرد. گرین، ریچاردسون، لاگو و اسکاتن-جونز<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) احساس تنهایی را نتیجه فقدان شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی با دوستان و همسالان می‌دانند، شبکه‌هایی از روابط که از طریق تماس‌های اجتماعی ساخته می‌شوند. احساس تنهایی با آنچه که "بیماری خاموش" در پزشکی نامگذاری می‌شود، شباهت دارد. جمعیت تنها به ظاهر دچار بیماری نیست اما این احساس تنهایی می‌تواند زمینه‌های انواع مسائل روانی و اجتماعی (از جمله افسردگی، خودکشی، عزت نفس پایین، انزوای اجتماعی و ...) را فراهم کند و روال عادی زندگی را خصوصاً در کلانشهرها و شهرهای با تراکم جمعیتی بالا از جمله تهران برهم‌زند. در زمینه همه‌گیری این پدیده، مطالعات آماری حکایت از آن دارند که از هر چهار نفر در جهان، یک نفر از احساس تنهایی رنج می‌برد (جوکار و سلیمی، ۱۳۹۰: ۳۱۲). آشگان و آلن<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) نیز براین باوراند که میزان شیوع احساس تنهایی در میان عموم جمعیت از ۱۵ تا ۲۸ درصد متغیر است. در مجموع شهرهای عصر مدرن، شبکه‌های اجتماعی مدنی را دچار تغییر و تحول کرده‌اند. فقدان این شبکه‌ها، نقش مبنایی در ایجاد احساس تنهایی دارند. براین مبنای تهران به عنوان یکی از شهرهای مدرن ایران مبنای بررسی مطالعه حاضر قرار گرفته است. شهر تهران امکان شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی مدنی را از شهروندان خود دریغ داشته است و معدود شبکه‌های اجتماعی موجود در آن، شبکه‌هایی می‌باشند که تابع الگوهای خانوادگی هستند. در این راستا، مطالعه حاضر با هدف کلی بررسی ارتباط میان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و میزان حمایت اجتماعی دریافتی با تجربه احساس تنهایی در شهر تهران طرح ریزی شده است و بر این مبنای سوالات زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

۱. میزان مشارکت شهروندان تهرانی در شبکه‌های اجتماعی (رسمی و غیررسمی)، میزان حمایت‌های اجتماعی دریافتی واقعی و سطح تجربه احساس تنهایی در بین آنها به چه اندازه می‌باشد؟

۱. Green, Richardson, Lago & Schatten-Jones

۲. Oshagan & Allen

۲. چه رابطه‌ای میان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و میزان حمایت اجتماعی دریافتی واقعی با سطح تجربه احساس تنهایی در بین شهروندان کلانشهر تهران وجود دارد؟
۳. چه رابطه‌ای میان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و میزان حمایت اجتماعی دریافتی واقعی در بین شهروندان کلانشهر تهران وجود دارد؟
۴. چه رابطه‌ای میان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، میزان حمایت اجتماعی دریافتی واقعی و سطح تجربه احساس تنهایی با متغیرهای زمینه‌ای در بین شهروندان کلانشهر تهران وجود دارد؟

### پیشینه تجربی تحقیق

#### پیشینه داخلی

سیری در مطالعات اجتماعی-روانی صورت گرفته در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که مطالعات جامعی که هر سه متغیر شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی و احساس تنهایی را در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار بدهند، بسیار اندک است. با این حال مطالعاتی یافت می‌شود که به بررسی این متغیرها در ارتباط با یکدیگر می‌پردازند؛ به عنوان مثال محمدی مجد (۱۳۸۷) در اثرش "احساس تنهایی و توتالیتراریسم"، بر ارتباط میان چگالی شبکه‌های اجتماعی با احساس تنهایی تأکید کرده و به نقل از استوکس<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) ذکر می‌کند که چگالی شبکه‌های اجتماعی (یعنی نسبت افرادی که در شبکه هم‌دیگر را می‌شناسند و کسانی که با یکدیگر مرتبط اند) به صورت معکوس با احساس تنهایی همبسته است. محمدی، فکر آزاد و سجادی (۱۳۹۱) در "گونه‌شناسی شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی در میان سالمندان"، نشان می‌دهند که شبکه‌های خانواده محور به عنوان محدودترین نوع شبکه‌های اجتماعی سالمندان، از کمترین حمایت اجتماعی و شبکه‌های متنوع از بیشترین میزان حمایت اجتماعی برخوردار هستند. همچنین معتمدی شلمزاری، اژه‌ای، آزادفلاح و کیان منش (۱۳۹۱) در "بررسی نقش حمایت اجتماعی در رضایتمندی از زندگی، سلامت عمومی و احساس تنهایی در بین سالمندان بالاتر از ۶۰ سال" و سلیمی و بزرگ پور (۲۰۱۲) در مقاله "حمایت اجتماعی ادراک شده و تنهایی اجتماعی-عاطفی" نیز بر نقش حمایت اجتماعی در کاهش میزان احساس تنهایی تأکید می‌کنند.

<sup>۱</sup>. Stocks

### پیشینه خارجی

در زمینه پژوهش‌های خارجی صورت گرفته نیز می‌توان به نتایج تعدادی از مطالعات اشاره کرد: ونگر، داویس، شاه طهماسبی و اسکات<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) در تدوین و پالایش مدلی پیرامون "رابطه انزوای اجتماعی و احساس تنهایی"، نشان می‌دهند که نوع شبکه اجتماعی که فرد در آن مشارکت دارد از عوامل تعیین کننده در میزان تجربه احساس تنهایی می‌باشد. هلمن و فوروکاوا<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) با "بررسی ارتباط میان احساس تنهایی، سلامت و شبکه اجتماعی در میان سالخوردگان"، نشان می‌دهند که وجود یک شبکه اجتماعی معنادار برای سالمندان، منبع حمایتی با ارزشی در جهت مقابله با احساس تنهایی و انزوای اجتماعی تلقی می‌گردد. همچنین، نتایج مطالعه دوگان و کیوت<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) نیز بیانگر این است که احساس تنهایی به پیوندهای منقطع و از هم گسیخته‌ی شبکه‌های اجتماعی حمایتی افراد بستگی دارد. در زمینه ارتباط میان احساس تنهایی و حمایت اجتماعی، مطالعاتی از جمله مطالعه وانگ<sup>۴</sup> و دیگران (۲۰۱۱) بر وجود رابطه منفی میان عملکرد خانوادگی و حمایت اجتماعی با احساس تنهایی اشاره می‌کند. نتایج مطالعه دورو<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) حکایت از همبستگی میان حمایت اجتماعی و ارتباطات اجتماعی و نقش میانجی‌گرانه آنها در تنزل احساس تنهایی دارد. از سوی دیگر مطالعات ییلماز، ییلماز و کاراسا<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) و دونگ، یک و سیمون<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) نیز نشان می‌دهند که حمایت اجتماعی از جمله عواملی می‌باشد که نقشی مهم در کاهش احساس تنهایی در میان نوجوانان، جوانان، بزرگسالان و سالخوردگان داشته و شبکه حمایت‌های اجتماعی نقطه مقابل احساس تنهایی تلقی می‌گردند.

در راستای بررسی مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر می‌توان ذکر کرد که:

(۱) مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، نوع و وسعت این شبکه‌ها با سطوح روابط اجتماعی افراد همبستگی داشته و فقدان شبکه‌های اجتماعی حمایت کننده، افراد را در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی از قبیل احساس تنهایی قرار می‌دهد.

۱. Wenger, Davies, Shahtahmasebi & Scott

۲. Holmen & Furukawa

۳. Dugan & Kivett

۴. Wang

۵. Duru

۶. Yilmaz, Yilmaz & Karaca

۷. Dong, Beck & Simon

۲) میزان و نوع حمایت دریافتی افراد ارتباط قوی و منفی با احساس تنهایی دارد. بدین ترتیب تبادل حمایت‌های عاطفی، اجتماعی و ابزاری در محدوده شبکه‌های اجتماعی، شاخصی با اهمیت در ارزیابی و بررسی تجربه احساس تنهایی می‌باشد.

### چهارچوب نظری

در راستای تبیین رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی با احساس تنهایی بر رویکرد شبکه‌اجتماعی تأکید شده‌است. عناصر اصلی شبکه‌های اجتماعی، افراد، گروه‌ها، نهادها، موجودیت‌های حقوقی و سازمانها می‌باشند (ولمن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸: ۸۲) که به واسطه انواع روابط اجتماعی از قبیل دوستی‌ها، همکاری‌ها و تبادل اطلاعات با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، بلوک‌های اصلی هر شبکه، روابط و ارتباطات اعضای شبکه تلقی می‌گردد که اغلب متفکران به همین دلیل مفهوم شبکه اجتماعی را به عنوان استعاره ای برای توصیف مجموعه پیچیده‌ای از روابط و پیوندهای اجتماعی بین افراد به کار می‌برند.

نقطه تمرکز رویکرد شبکه، تحلیل ساخت اجتماعی از طریق بررسی الگوهای روابط اجتماعی موجود در میان اعضای شبکه می‌باشد. بدین ترتیب رویکرد شبکه به جای تأکید بر کنشگران و ویژگی‌های آنان به عنوان واحد تحلیل، به ساختار روابط میان کنشگران توجه می‌کند و بر این امر تأکید دارد که فرایندهای اجتماعی و پیامدهای فردی، اساساً از طریق الگوی روابط میان کنشگران در شبکه‌های اجتماعی تعریف و مشخص می‌گردد (کارتوسی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). شبکه‌های اجتماعی معمولاً اعضای خود را با طیف متنوعی از روابط و پیوندهای اجتماعی در ارتباط قرار داده، در جهت تقویت پیوندهای اجتماعی سست و شکننده عمل کرده و در مجموع امتیازات زیادی برای اعضاء به همراه دارند. در این زمینه پاتنام اشاره می‌کند که ریشه شکل‌گیری یک جامعه فعال و سازنده با نهادهای کارآمد و پاسخگو در شبکه‌های اجتماعی است؛ افراد در انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌آموزند که به همدیگر اعتماد داشته و برای اهداف مشترکی همکاری کنند. همکاری‌های موقت به تمایل برای همکاری‌های بیشتر منجر شده و حتی به بیرون از انجمن‌ها و شبکه‌ها تسری می‌یابد (زبردست، ۱۹۹۰: ۱۹). پورتس<sup>۳</sup> نیز شبکه‌های اجتماعی را منبع اطلاعات، ارتباطات و دوست‌یابی برای اعضاء در نظر می‌گیرد. از جانب دیگر بر اساس دیدگاه شبکه، تقاضا برای انواع مشارکت در گرو پیوندهای اجتماعی است

1. Wellman

2. Kurtosi

3. Ports

که در قالب این شبکه‌ها شکل می‌گیرد. بنابر استدلال گرانووتر<sup>۱</sup> (۱۹۷۳)، پیوندهای ضعیف با گروه‌ها و شبکه‌های محلی باعث می‌شود که شبکه‌های اجتماعی گسترده‌تری فرد را احاطه کند و بدین ترتیب به منابع حمایتی اجتماعی و سیاسی بیشتری دست یابد. از اینرو دسترسی آزادانه به شبکه‌های اجتماعی گسترده‌تر و افزایش منابع اطلاعاتی منجر به افزایش انواع مشارکت می‌شود و این فرضیه را تقویت می‌کند که یک چنین شبکه‌هایی، افراد را با بسترها و زمینه‌های اجتماعی گسترده‌تر در ارتباط قرار داده و بدین طریق مشارکت‌های نهادی و انجمنها از طریق شبکه‌های اجتماعی منجر به تقویت پیوندهای ضعیف می‌گردند (امام جمعه زاده، صادقی نقدعلی، محموداوغلی و رهبرقاضی، ۱۳۹۲: ۲۲۶) که خود این فرایند تقویت پیوندهای سست و شکننده، عاملی در راستای تنزل احساس تنهایی می‌باشد. همچنین، سه مدل دیگر نیز برای تبیین ماهیت اجتماعات و شبکه‌های اجتماعی از جانب ولمن (۱۹۹۲) ارائه شده است که مبتنی بر سه رویکرد نسبت به روابط اجتماعی می‌باشد:

- ۱) مدل جامعه گمشده: جوامع در نتیجه‌ی تغییرات اجتماعی عظیم و گسترده از بین رفته‌اند و روابط اجتماعی در دنیای مدرن و شهرها، غیرشخصی، ضعیف و زودگذر شده است.
- ۲) مدل جامعه حفظ شده: جوامع به همان صورت منسجم و مترکب جوامع سنتی کوچک، هنوز هم مهمترین منبع تأمین حمایت و معاشرت هستند و تغییرات عظیم اجتماعی نتوانسته است بر پیوندها و ارتباطات اجتماعی افراد مدرن تأثیری بگذارد.
- ۳) مدل جامعه رهاشده (آزادشده): این مدل که به نوعی همسو با رویکرد تحلیل شبکه نیز محسوب می‌گردد، مبتنی بر این باور است که روابط اجتماعی در شهرها و دنیای مدرن، نه کاملاً از بین رفته است و نه شکل روستایی و محلی دارد، بلکه از وضعیتی پراکنده برخوردار است (کامران و ارشادی، ۱۳۸۸: ۴۲). به تعبیری دیگر، نقش زمان و مکان در ارتباطات انسانی کمتر شده اما این موضوع بدان معنی نیست که اجتماع نابود شده‌است، بلکه اجتماع در شکل جدیدی خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی بازتولید کرده است (محسنی، دوران و سهرابی، ۱۳۸۵: ۸۱). بدین ترتیب، همچنانکه ولمن اشاره نمود، دیدگاه شبکه با این نگاه به جامعه و روابط اجتماعی می‌پردازد و بر این عقیده است که جامعه هرگز از بین نرفته است، بلکه دچار نوعی تغییر شده و از حالت همسایگی و محلی، به جامعه‌ای فرامرزی، پراکنده، نامترکب و کمتر مرزبندی شده مبدل شده است و تغییرات عظیم تنها توانسته‌اند در الگوها و ساختار روابط اجتماعی دگرگونی‌های جزئی ایجاد کنند (کامران و ارشادی، ۱۳۸۸: ۴۲). بنابراین، دیدگاه شبکه ساخت اجتماعی را سازمان‌گوبندی شده‌ی اعضای شبکه و روابطشان در نظر گرفته و

<sup>۱</sup>. Granovetter

بهترین شیوه مطالعه جوامع را بررسی بود و نبود روابط، قوت، ترکیب و نوع روابط، شیوه تماس و منابع حمایت‌های اجتماعی موجود در پیوندها می‌داند. بر مبنای این دیدگاه، گسترش وسایل حمل و نقل و فناوری‌های ارتباطی جدید از جمله اینترنت، باعث شده که ارتباطات از چهارچوب محل زندگی افراد فراتر رود و بر این اساس، جامعه به مجموعه‌ای از شبکه‌های اجتماعی مجزا اما در ارتباط با یکدیگر تبدیل شود که هر چند ماهیت محلی خود را از دست داده‌اند اما ماهیت فرامحلی خود را حفظ کرده و به پیوند و همبستگی افراد جامعه، در قالب گروه‌ها و انجمنهای متفاوت می‌پردازند، از اینرو لزوماً جامعه از بین نرفته، بلکه رها شده و باید به عنوان "شبکه‌های فردی" مورد بررسی قرار بگیرد. بر این مبنای دیدگاه شبکه، مجاورت را تنها یک بعد از جامعه و روابط اجتماعی آن تلقی می‌کند و بر ماهیت حمایت‌های اجتماعی که در قالب اجتماعات شبکه‌ای نصیب افراد می‌شود، تأکید می‌کند تا جایی که معتقدان به رویکرد شبکه بر این باورند که وجود شبکه‌های اجتماعی به صورت حائلی در مقابل فشارهای روانی و اجتماعی عمل می‌کند و با فراهم آوردن حمایت‌های عاطفی، دوستی‌ها، فرصت‌هایی برای اعمال اجتماعی معنادار، تأثیر بسیار مهمی بر عزت نفس افراد و توان مقابله با مشکلات روانی-اجتماعی از جمله افسردگی و احساس تنهایی دارد و در نهایت منجر به احساس سلامت روانی در افراد می‌شود (کارولین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰ : ۱۰۹). مکانیسم این تأثیرگذاری بدین شکل است که شبکه‌های اجتماعی، نوعی سرمایه اجتماعی برای افراد فراهم می‌کند و افراد با مشارکت در این شبکه‌ها، از انواع حمایت، اعتماد، روابط عاطفی با سایر افراد برخوردار می‌شوند. دیدگاه شبکه بر اهمیت روابط افقی و عمودی بین مردم در قالب انجمنها و گروه‌های اجتماعی تأکید کرده و ذکر می‌کند که تأمین حمایت‌های اجتماعی در قالب شبکه‌های اجتماعی می‌تواند از بسیاری آسیب‌های اجتماعی و روانی از جمله احساس تنهایی پیشگیری به عمل بیاورد.

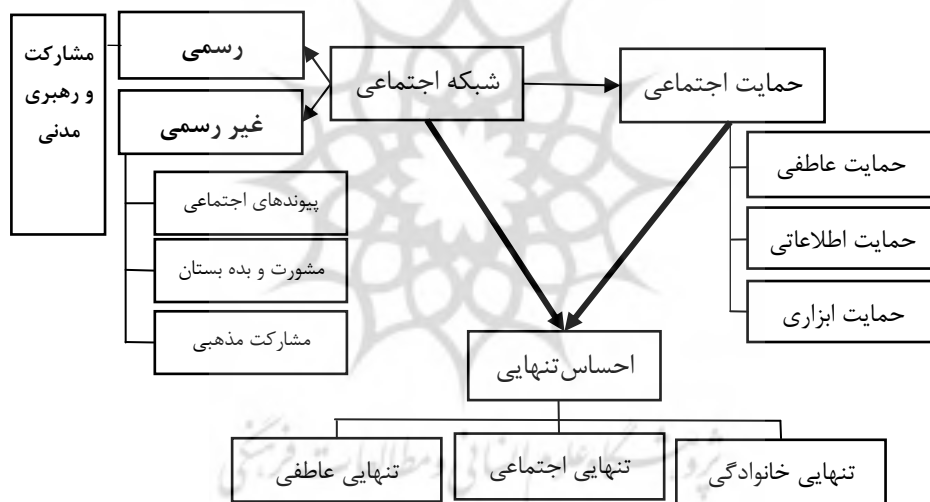
در تبیین رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی با احساس تنهایی، تئوری آنومی دورکیم نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. مطابق با این تئوری، بهزیستی روانی به واسطه انسجام اجتماعی موجود در اعضای جامعه حفظ می‌گردد. در نظر دورکیم (۱۹۵۱)، قوانین ثابت و سنتی و رفتار گروه‌های اجتماعاً به هم پیوسته، به اعضایشان احساس اطمینان و هدف در زندگی اعطاء می‌کند و افراد را در مقابل عدم اطمینان و ناامیدی که ممکن است منجر به بی‌نظمی در جامعه بگردد، حفظ می‌کند. بدین ترتیب مفهوم حمایت اجتماعی به عنوان نتیجه انسجام اجتماعی در جامعه تلقی‌گشته و تأثیر عمده‌ای بر حالات روانی افراد دارد

<sup>۱</sup>. Carolin



(ایشی-کونتز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷: ۹). از دیدگاه دورکیم، شبکه‌های بزرگ، انسجام بیشتری داشته و حمایتی ترند تا شبکه‌های کوچکتر. به عبارت دیگر، روابط با گروه‌های اجتماعی بزرگ باعث تقویت انسجام اجتماعی و فراهم‌سازی نیازهای متقابل می‌شود. در نتیجه هر چه شبکه بزرگتر باشد، افراد دسترسی بیشتری به منابع متنوع حمایتی دارند و از این رو امکان تأمین و دسترسی به حمایت بیشتر است (سفیری، باستانی و قرانی، ۱۳۹۲: ۲۶۰-۲۵۹). از سوی دیگر اجتماع‌گرایان نیز با توجه به فرایندهای مختلف مانند تحرکات جغرافیایی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی نگران تأثیرات آنها بر ایجاد و رشد احساس تنهایی هستند. از نظر آنها تقویت پیوندهای محلی و انجمن‌های داوطلبانه که در جامعه لیبرالی همیشه در معرض خطراند، جامعه را از غربت و گسست نجات خواهد داد. انجمن‌های داوطلبانه را می‌توان در نظر اجتماع‌گرایانی از جمله والزر<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) به عنوان حلقه اتصال افراد و گره‌های انسجام بخش جامعه در نظر گرفت.

بر مبنای نظریات و پیشینه مطالعاتی مطرح شده، مدل سنجشی ذیل در جهت ارزیابی فرایند ارتباط متغیرهای مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و میزان حمایت اجتماعی دریافتی با سطح احساس تنهایی طراحی گردیده است.



شکل ۱: مدل سنجش ارتباط میان شبکه اجتماعی و حمایت اجتماعی با احساس تنهایی

<sup>۱</sup>. Ishii-Kuntz

<sup>۲</sup>. Walzer

### فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی با تجربه احساس تنهایی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد.
- بین میزان حمایت اجتماعی دریافتی و تجربه احساس تنهایی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد.
- بین میزان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی با میزان حمایت اجتماعی دریافتی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.
- بین متغیرهای جنس، سن، وضعیت تأهل، قومیت، سطح تحصیلات و محل سکونت با میزان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، میزان حمایت اجتماعی دریافتی و تجربه احساس تنهایی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش پیمایشی، با ابزار پرسشنامه و با به کارگیری روش نمونه‌گیری خوشه‌ای صورت گرفته است. جامعه آماری مطالعه حاضر، جمعیت بالغ کلانشهر تهران بوده و میزان حجم نمونه نیز براساس فرمول کوکران، ۵۲۴ نفر تخمین زده شده است. بر این اساس، با تکیه بر روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، از مناطق پنج‌گانه‌ی شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب کلانشهر تهران، محلات قیطریه، قلهک، پاسداران، علی آباد، خانی آباد، حمزه آباد، ایرانشهر، امیرآباد، جمهوری، تهرانپارس، نارمک، پیروزی، توحید، پونک و تهرانسر جهت توزیع پرسشنامه برگزیده شده، در موعد مقرر داده‌ها با مراجعه به منازل مسکونی گردآوری شده و با استفاده از نرم افزار کاربردی SPSS مورد ارزیابی‌های توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین) و تحلیلی (آزمون‌های T, F و ضریب همبستگی پیرسون) قرار گرفتند.

### تعاریف مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها

#### ۱) شبکه اجتماعی

- تعریف مفهومی شبکه اجتماعی: شبکه اجتماعی مفهومی پیچیده است که در ارتباط با سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی مطرح می‌شود. شبکه‌های اجتماعی ابزارهایی برای ارتقاء منافع کنشگران و رسیدن به اهدافشان از خلال دسترسی به منابع و دارایی‌های جمعی می‌باشند. شبکه اجتماعی در مجموع روابط

اجتماعی شناخته شده‌ای است که یک فرد را دربرگرفته و ویژگی‌های آن و درک افراد نسبت به آنها را شامل می‌شود (بولینگ، ۱۹۹۴).

• تعریف عملیاتی شبکه اجتماعی:

جهت سنجش این مفهوم، در مجموع دو بعد شبکه اجتماعی رسمی (غیرخویشاوندی) و غیررسمی و چهار مؤلفه در نظر گرفته شده است.

جدول ۱: طیف سنجش مفهوم شبکه اجتماعی

ابعاد	مؤلفه	گویه‌ها
شبکه اجتماعی رسمی	مشارکت و رهبری مدنی	شما در هر یک از گروه‌های زیر تا چه حد مشارکت دارید؟ انجمن‌های علمی، امور شهر و مدارس، گروه‌های مذهبی، باشگاه‌های ورزشی، فرهنگ‌سراها، تعاونی‌ها و گروه‌های حرفه‌ای، مؤسسات خیریه، سازمانها و نهادهای محلی، احزاب و تشکل‌ها
شبکه اجتماعی غیر رسمی	۱. پیوندهای اجتماعی غیر رسمی	هر چند وقت یک بار برای دید و بازدید به اتفاق اعضای خانواده به دور یکدیگر جمع می‌شوید؟ آخرین باری که یکی از دوستان خود را ملاقات کرده و خبر از حال او گرفته‌اید چه زمانی بوده است؟
شبکه اجتماعی غیر رسمی	۲. مشورت و بده‌بستان	تا چه حد می‌توانید روی دریافت کمک از دوستان سابق‌تان حساب باز کنید؟ در هر کدام از فعالیت‌های زیر تا چه حد مشارکت می‌کنید؟ ۱. گوش دادن به مسائل و مشکلات همسایگان و دوستان ۲. قرض دادن وسایل خانه یا وسایل شخصی به دوستان و همسایگان ۳. رفتن به دیدار یا مساعدت از فرد نیازمند ۴. پول قرض دادن یا ضمانت مالی کسی را کردن
شبکه اجتماعی غیر رسمی	۳. مشارکت مذهبی	مشارکت در نماز جماعت مساجد، مشارکت در نماز جمعه، مشارکت در مراسم مذهبی برگزار شده در شهر، روزه گرفتن در ایام ماه مبارک رمضان، اقامه دائمی نماز.

(زبردست، ۱۳۹۰: ۹۱)

۲) حمایت اجتماعی

• تعریف مفهومی حمایت اجتماعی:

حمایت اجتماعی عبارت است از وجود یا دسترسی به افرادی که می‌توان به آنها تکیه کرد و این افراد کسانی هستند که از فرد مراقبت می‌کنند و برای او ارزش قائل‌اند و او را دوست دارند (قدسی، ۱۳۸۲: ۱۸۵-۱۸۲).

• تعریف عملیاتی حمایت اجتماعی:

در مطالعه حاضر، حمایت اجتماعی در ۳ بعد مورد سنجش قرار می‌گیرد: (۱) حمایت ابزاری واقعی، (۲) حمایت عاطفی واقعی و (۳) حمایت اطلاعاتی واقعی. بدین ترتیب جهت سنجش متغیر حمایت اجتماعی، گویه‌های پرسشنامه کارکردی لین و همکارانش (۱۹۹۹) مورد استفاده قرار می‌گیرند:

**جدول ۲: طیف سنجش مفهوم حمایت اجتماعی**

ابعاد	گویه
ابزاری	آیا در زندگی خود کسی را دارید که به شما هنگام نیاز مالی پول بدهد؟
	کسی که هنگامی که در خانه حضور ندارید (مثل زمان مسافرت یا کار) از خانه و خانواده شما مراقبت کند؟
	کسی که به شما هنگام برخورد با مسائل و مشکلات در ارتباط با ادارات دولتی کمک کند یا فردی را برای کمک کردن معرفی کند؟
	کسی که در امور روزانه مانند خرید ارازم، پرداختن فیش های آب و برق و تلفن، هنگامی که سرتان شلوغ است و وقت لازم را ندارید، کمک کند؟
عاطفی	کسی که در گرفتاری هایی مثل زمان بیماری خود یا یکی از اعضای خانواده‌تان یا خدایی نکرده مرگ یک عزیز شما، بتوانید روی کمک او حساب کنید؟
	کسی که به شما در مواقع ضروری مثل اساس کشی منزل یا تعمیرات جزئی، کمک کند؟
	کسی که با او بتوانید در ارتباط با مسائل شخصی تان درد و دل کنید؟
	کسی که هنگامی که احساس تنهایی می‌کنید یا وقتی که نیاز به هم صحبت دارید، همراه شما باشد؟
اطلاعاتی	کسی که درباره مسائل و مشکلات کاریتان بتوانید با او صحبت کنید؟
	کسی که احساس کنید شما را دوست دارد و به فکر شماست؟
	کسی که در مورد موضوعی بسیار مهم و محرمانه بتوانید به عنوان یک رازدار با او صحبت کنید؟
	کسی که شما را درک کند و حرف های شما را بفهمد؟
اطلاعاتی	کسی که در هنگام برخورد با مشکلات شغلی و کاریتان بتوانید از مشورت، آگاهی و راهنمایی او استفاده کنید؟
	کسی که در برخورد با مشکلات شخصی خود یا خانواده تان بتوانید از او مشورت بگیرید؟
	کسی که از او بتوانید اطلاعات حقوقی و اداری برای امور خود بگیرید؟
	کسی که در یافتن مواردی مانند یک پزشک خوب برای خود یا خانواده‌تان، یک مدرسه خوب برای فرزندانتان یا از این قبیل امور اطلاعات بگیرید؟
	کسی که در انجام کار یا چیزی مانند خرید یا اجاره خانه، ازدواج یکی از نزدیکان و... اطلاعات یا آگاهی به شما بدهد و شما را در رفع تردید کمک کند؟

(قدسی، ۱۳۸۲: ۲۹۵-۲۹۴)

### ۳) احساس تنهایی

- تعریف مفهومی احساس تنهایی:  
احساس تنهایی تجربه‌ی ناخوشایندی است که در پاسخ به نارسایی‌هایی کمی یا کیفی در روابط اجتماعی ظاهر می‌شود (پپلاو و پرلمان<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲).
- تعریف عملیاتی احساس تنهایی:  
در پژوهش حاضر در راستای سنجش احساس تنهایی از فرم کوتاه شده مقیاس احساس تنهایی اجتماعی-عاطفی بزرگسالان (SELSA-S) استفاده می‌شود. این مقیاس به وسیله‌ی دی‌توماسو، برانن و بست در سال ۲۰۰۴ براساس تقسیم بندی ویس (۱۹۷۳)، طراحی و تهیه گردیده و شامل ۱۶ گویه می‌باشد.

جدول ۳: طیف سنجش مفهوم احساس تنهایی (SELSA-S)

ابعاد	گویه‌ها
عاطفی	در زندگی خود فردی را دارم که در شادی‌هایم سهیم هستم. در زندگی خود فردی را دارم که حمایت و دلگرمی مورد نیاز را برای من تأمین می‌کند. در زندگی خود فردی را دارم که بیشتر احساس‌ها و افکار خصوصی خود را با او در میان می‌گذارم. آرزو دارم روابط عاطفی بیشتر رضایت بخشی داشته باشم. جزئی مهم از زندگی شخص دیگر هستم.
اجتماعی	دوستانی دارم که می‌توانم دیدگاه‌هایم را با آنها در میان بگذارم. احساس می‌کنم عضوی از گروه دوستانم هستم و برای کسب اطلاعات می‌توانم به آنها مراجعه کنم. از دوستانی که دارم راضی نیستم. دوستانم انگیزه‌ها و استدلال‌های مرا درک می‌کنند. می‌توانم روی کمک دوستان و اطرافیانم حساب کنم. دوستانی دارم که مرا درک می‌کنند و می‌توانم راجع به سختی‌های زندگی‌ام با آنها صحبت کنم.
خانوادگی	احساس می‌کنم بخشی از خانواده‌ام هستم. احساس صمیمیت و نزدیکی با خانواده‌ام می‌کنم. خانواده‌ای دارم که حمایت و دلگرمی مورد نیاز را برای من تأمین می‌کنند. خانواده‌ام کاملاً مراقب من هستند. هنگامی با که خانواده‌ام هستم احساس می‌کنم که تنها هستم.

(جوکار و سلیمی، ۱۳۹۰: ۳۳۳)

<sup>۱</sup>. Peplau & Perlman

## اعتبار و پایایی مفاهیم

در مطالعه حاضر جهت تعیین اعتبار پرسشنامه طراحی شده، از اعتبار صوری بهره گرفته شده است. اعتبار صوری شناسایی اعتبار شاخص‌ها به واسطه مراجعه به داوران می‌باشد و وفاق داوران در مورد شاخص‌ها دلیل اعتبار شاخصها تلقی می‌گردد. از سوی دیگر به منظور ارزیابی میزان پایایی مفاهیم و ابعاد مورد سنجش، روش همبستگی درونی آلفای کرونباخ مورد استفاده واقع شد که نتایج آن در جدول زیر ذکر گردیده است.

جدول ۴: آلفای کرونباخ متغیرها

پایایی	ابعاد	پایایی	مفهوم
.۸۵	عاطفی		
.۷۰	ابزاری	.۸۸	حمایت اجتماعی
.۷۶	اطلاعاتی		
.۷۹	رسمی	.۷۳	شبکه اجتماعی
.۶۷	غیر رسمی		
.۶۴	عاطفی		
.۸۵	اجتماعی	.۸۶	احساس تنهایی
.۸۶	خانوادگی		

## یافته‌های تحقیق

## • یافته‌های توصیفی

(۱) توصیف مختصات عمومی پاسخگویان

جدول ۵: مختصات عمومی پاسخگویان

توزیع	متغیر
	جنس
۵۱ درصد مرد، ۴۹ درصد زن	
	سن
حداقل سن ۱۸ سال، حداکثر سن ۸۰ سال، میانگین سن ۳۴/۰۲ سال	
	وضعیت تأهل
۴۶/۱ درصد مجرد، ۵۰/۸ درصد متأهل، ۱/۵ درصد همسر از دست داده، ۱/۵ درصد مطلقه	
	سطح تحصیلات
۴/۴ درصد بیسواد، ۲/۷ درصد ابتدایی، ۶/۱ سیکل، ۳۴ درصد دیپلم، ۱۲/۱ درصد فوق دیپلم، ۳۳/۴ درصد لیسانس، ۹/۵ درصد فوق لیسانس، ۱/۴ دکتری، ۴/۴ جویزوی (فقه)	
	وضعیت سکونت
۹۱/۷ درصد به همراه خانواده، ۳/۹ درصد به تنهایی، ۲/۵ درصد با دوستان، یک درصد ساکن خوابگاه، یک درصد با اقوام و وابستگان	
	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
۴۶ درصد متوسط رو به پایین، ۳۵/۵ درصد متوسط، ۱۰/۵ درصد متوسط رو به بالا، ۷/۶ درصد پایین، ۴/۴ درصد بالا	

۲) توصیف متغیرهای مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی و احساس تنهایی

جدول ۶: توصیف متغیرهای مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی و احساس

تنهایی

مفهوم	ابعاد/مؤلفه	پایین (ضعیف)	متوسط رو به پایین	متوسط	متوسط رو به بالا	بالا (قوی)
		درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
مشارکت در شبکه اجتماعی	شبکه رسمی	۷۱/۹	۲۱/۸	۵/۷	۱/۶	-
	پیوندهای غیر رسمی	۱۳/۵	۱۸/۲	۳۴	۱۷/۶	۱۶/۸
	مشورت و بده بستان	۱۷/۶	۲۷/۹	۳۴	۱۵/۴	۵/۱
	مشارکت مذهبی	۱۷/۳	۲۰	۳۱/۱	۲۲/۵	۹/۱
احساس تنهایی	شبکه غیر رسمی	۸/۴	۲۷/۱	۴۲/۹	۱۹/۱	۲/۵
	کل	۱۸/۵	۵۸/۴	۲۰/۴	۷/۲	-
	عاطفی	۱۵/۴	۳۹	۳۶/۳	۷/۱	۲/۱
	اجتماعی	۱۲/۹	۳۲/۸	۴۰/۵	۱۰	۳/۹
تنهایی	خانوادگی	۴۸/۵	۳۳/۴	۱۲/۵	۳/۹	۱/۷
	کل	۱۲/۳	۵۰/۶	۳۰/۶	۶	۱/۶
	پایین	درصد	متوسط	بالا		
	درصد	درصد	درصد			
حمایت اجتماعی	ابزاری	۱۷/۲	۳۲/۴	۵۰/۴		
	عاطفی	۱۶/۲	۲۱/۸	۶۲		
	اطلاعاتی	۲۶/۵	۳۰	۴۳/۵		
	کل	۱۷/۲	۳۵/۷	۴۷/۱		

یافته‌های توصیفی مطالعه حاضر نشان می‌دهند که حجم نمونه مورد بررسی از منظر متغیر مشارکت در شبکه‌های اجتماعی در وضعیت متناسبی قرار ندارد؛ به عبارتی ۵۸/۴ درصد از افراد مورد بررسی در سطح متوسط رو به پایین در شبکه‌های اجتماعی مشارکت دارند. ابعاد این متغیر نشان می‌دهند که علت این سطح پایین مشارکت، فعالیت بسیار ضعیف حجم نمونه در شبکه‌های رسمی موجود در شهر تهران می‌باشد. از سوی دیگر یافته‌ها حکایت از مشارکت در سطح متوسط در شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی دارند. این مشارکت ضعیف در شبکه‌های اجتماعی خود می‌تواند بر بسیاری از متغیرهای دیگر تأثیرگذار باشد به طوریکه یافته‌ها نشان

از آن دارند که ۵۰/۶ درصد از حجم نمونه مورد بررسی در سطح متوسط رو به پایین، ۳۰/۶ درصد در حد متوسط، ۱۲/۳ درصد در حد پایین، ۶ درصد در حد متوسط رو به بالا و ۶/۰ درصد در حد بسیار شدیدی احساس تنهایی را در زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند. مقایسه ابعاد احساس تنهایی نشان‌دهنده این است که بالاترین میزان احساس تنهایی در بعد اجتماعی و پایین‌ترین میزان در بعد خانوادگی تجربه می‌شود. همچنین، دیگر یافته‌های توصیفی مطالعه حاضر نیز نشان می‌دهند که ۴۷/۱ از افراد مورد بررسی، حمایت اجتماعی در سطح بالا، ۳۵/۷ درصد حمایت اجتماعی در حد متوسط و ۱۷/۲ درصد حمایت اجتماعی در سطح پایینی را در زندگی خود از سوی سایرین دریافت می‌کنند. مقایسه ابعاد این مفهوم نیز حاکی از آن است که حجم نمونه مورد بررسی در بعد عاطفی بالاترین میزان حمایت و در بعد اطلاعاتی، پایین‌ترین میزان حمایت اجتماعی را دریافت می‌کنند.

### • یافته‌های تحلیلی

(۱) بررسی ارتباط میان میزان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و میزان حمایت اجتماعی دریافتی

جدول ۷: نتایج ضریب همبستگی ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی

ضریب همبستگی	شبکه‌های اجتماعی	حمایت اجتماعی
همبستگی پیرسون	۱	۰/۱۸۰
سطح معناداری		۰/۰۰۰
فراوانی	۵۲۴	۵۲۴
همبستگی پیرسون	۰/۱۸۰	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	
فراوانی	۵۲۴	۵۲۴

بررسی ارتباط میان میزان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و میزان حمایت اجتماعی دریافتی حاکی از آن است که بین این دو متغیر رابطه معنادار، مثبت و مستقیمی وجود دارد ( $r=0.180$ ,  $sig<0.000$ ). همچنین داده‌های تحلیلی نشان می‌دهند که بعد شبکه‌های اجتماعی غیررسمی همبستگی قویتری با سطح حمایت دریافتی نسبت به بعد شبکه‌های اجتماعی رسمی دارد.



(۲) بررسی ارتباط میان میزان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و سطح تجربه احساس تنهایی

جدول ۸: نتایج ضریب همبستگی ارتباط میان شبکه اجتماعی و احساس تنهایی

احساس تنهایی	شبکه اجتماعی	ضریب همبستگی
- /۲۴۰	۱	همبستگی پیرسون
/۰۰۰		سطح معناداری
۵۲۰	۵۲۴	فراوانی
۱	- /۲۴۰	همبستگی پیرسون
	/۰۰۰	سطح معناداری
۵۲۴	۵۲۰	فراوانی

بررسی ارتباط میان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و سطح تجربه احساس تنهایی نشان می‌دهد که ارتباط میان این دو متغیر معنادار، منفی و معکوس می‌باشد ( $r = -.240, sig = .000$ ). بعلاوه همبستگی بعد شبکه اجتماعی غیر رسمی با مفهوم احساس تنهایی قویتر می‌باشد.

(۳) بررسی ارتباط میان میزان حمایت اجتماعی دریافتی و سطح تجربه احساس تنهایی

جدول ۹: نتایج ضریب همبستگی ارتباط میان حمایت اجتماعی و احساس تنهایی

احساس تنهایی	حمایت اجتماعی	ضریب همبستگی
- /۵۵۲	۱	همبستگی پیرسون
/۰۰۰		سطح معناداری
۵۲۰	۵۲۴	فراوانی
۱	- /۵۵۲	همبستگی پیرسون
	/۰۰۰	سطح معناداری
۵۲۴	۵۲۰	فراوانی

بررسی ارتباط میان میزان حمایت اجتماعی دریافتی و سطح تجربه احساس تنهایی نشان‌دهنده آن است که ارتباط میان این دو متغیر معنادار، منفی و معکوس می‌باشد ( $r = -.552, sig = .000$ ). همچنین بعد حمایت عاطفی همبستگی قویتری نسبت به ابعاد حمایت ابزاری و اطلاعاتی با احساس تنهایی دارد.

۴) بررسی ارتباط میان مشارکت در شبکه اجتماعی، میزان حمایت اجتماعی و تجربه احساس تنهایی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

جدول ۱۰: توصیف ارتباط میان مشارکت در شبکه اجتماعی، میزان حمایت اجتماعی و تجربه احساس تنهایی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

وضعیت تأهل		سن		جنس		متغیر
Sig	F	Sig	r	Sig	T	
.۶۱۴	.۶۰۳	.۱۷۵	-.۰۶۳	.۰۵	۱/۹۵۷	مشارکت در شبکه‌های اجتماعی
.۵۸۹	.۶۴۰	.۶۶۹	.۰۲۰	.۰۹	-۱/۶۹۲	میزان حمایت اجتماعی دریافتی
.۰۰۷	۴/۱۱۷	.۱۸۵	-.۰۶۲	.۰۰۰	۲/۶۵۱	سطح تجربه احساس تنهایی
پایگاه اجتماعی...		سطح تحصیلات		وضعیت سکونت		متغیر
Sig	F	Sig	F	Sig	F	
.۲۹۳	۱/۲۳۹	.۸۴۸	.۴۸۱	.۰۲۵	۲/۸۰۹	مشارکت در شبکه‌های اجتماعی
.۰۳۴	۲/۶۳۳	.۰۰۸	۲/۷۶۴	.۴۴۱	.۹۴۱	میزان حمایت اجتماعی دریافتی
.۴۳۷	.۹۴۶	.۳۲۹	۱/۱۵۳	.۱۱۱	۱/۸۹۱	سطح تجربه احساس تنهایی

یافته‌های تحلیلی حاصل از بررسی ارتباط میان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای نشان می‌دهند که مشارکت در شبکه‌های اجتماعی بر حسب جنس و وضعیت سکونت افراد مورد بررسی متفاوت است؛ به عبارتی زنان نسبت به مردان مشارکت بالاتری در شبکه‌های اجتماعی داشته و افرادی که با اقوام و بستگان خود زندگی می‌کنند نسبت به سایرین از شبکه‌های اجتماعی قویتر و وسیع‌تری برخوردارند. از جانبی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهند که مردان و افراد مطلقه و بیوه، احساس تنهایی را در ابعاد وسیع‌تری تجربه می‌کنند. بررسی متغیر حمایت اجتماعی نیز نشان می‌دهد که افراد متأهل، افراد دارنده سطح تحصیلات کارشناسی‌ارشد و دکتری و افراد متعلق به پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی بالا نسبت به سایرین، از سطح حمایت اجتماعی بالاتری برخوردارند.

### بحث و نتیجه گیری

بحث از شبکه‌های اجتماعی و ماهیت این قبیل پیوندها و روابط اجتماعی در یکی دو دهه اخیر، کانون توجه اکثر متفکران و مجامع علمی گوناگون قرار گرفته است. شبکه‌های اجتماعی اغلب به عنوان روابط اجتماعی شناخته شده‌ای که یک فرد را در بر گرفته و ویژگی‌های آنها و

درک افراد نسبت به آنها را شامل می‌شوند، توصیف شده‌اند و به عبارتی، دنیای اجتماعی هر فرد و همچنین میزان متفاوت و متنوع حمایت‌های اجتماعی که توسط افراد ادراک می‌شود و یا در دسترس می‌باشند، را به نمایش می‌گذارند (لیتواین، ۲۰۰۱). تاکنون مطالعات متعددی پیرامون شبکه‌ها و روابط اجتماعی میان افراد به اجرا درآمده است که این مطالعات به بررسی تأثیر ساختار، ترکیب و محتوای روابط اجتماعی بر روی افرادی که با هم در کنش متقابل هستند، پرداخته‌اند. در این مطالعات، روابط و پیوندهای میان افراد، کمیت و کیفیت این روابط (اندازه، تراکم، ترکیب، فراوانی و...) و حمایت‌هایی که در این پیوندها بین کنشگران رد و بدل می‌شود، مورد توجه قرار گرفته و در اکثریت این مطالعات حمایت اجتماعی در ارتباط با تئوری شبکه و به عنوان مجموعه‌ای از منابع احتمالی که از طریق پیوندها و شبکه‌ها جریان می‌یابد، مورد توصیف قرار گرفته است. طبق نظر صاحب‌نظران شبکه اجتماعی، انواع سیستم‌های گوناگون پیوندی، منجر به حمایت‌های اجتماعی متنوعی می‌شوند. همچنین پیوندهای درون شبکه از نظر میزان و شدت، اهمیت متفاوتی را دارا می‌باشند (شهرسزی، ۱۳۸۵: ۴۶). در این زمینه، نظریه ویس (۱۹۷۴) بر این فرض است که روابط گوناگون، کارکردهای گوناگونی برای افراد به همراه دارند. این کارکردها شامل دلبستگی، یکپارچگی اجتماعی، راهنمایی، اطمینان‌دادن و فرصتی برای پرورش دادن است. اگرچه اهمیت این قبیل حمایت‌ها ممکن است از منظر میان‌فردی متفاوت باشد اما می‌توان انتظار داشت فردی که در شبکه‌ای وسیع قرار گرفته که همه‌ی این تدارکات و حمایت‌ها در آن موجود است، بهزیستی و سلامت روانی بهتری نسبت به فردی داشته باشد که در شبکه‌ای محدودتر قرار دارد. لذا مطالعه حاضر در راستای بررسی ارتباط میان میزان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و سطح دریافتی حمایت اجتماعی با میزان تجربه احساس تنهایی در جامعه شهری تهران، طرح ریزی و اجرا شده است. احساس تنهایی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی در پژوهش حاضر، پیامد و نتیجه فقدان شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی با دوستان و همالان می‌باشد؛ شبکه‌هایی از روابط که می‌توانند از طریق تماس‌های اجتماعی ساخته شوند. شهرهای عصر مدرن شبکه‌های اجتماعی مدنی را دچار تغییر و تحول کرده‌اند. فقدان این شبکه‌ها، نقش مبنایی در ایجاد احساس تنهایی داشته و به عبارتی شهری که فاقد فضاهای عمومی سازنده و اجتماع‌گرایانه است و اغلب پیوندهای اجتماعی شکل گرفته در آن ضعیف و سست می‌باشد، شهروندان خود را به عزلت نشینی و احساس تنهایی دعوت می‌کند.

یافته‌های مطالعه حاضر در قالب دو بخش قابل بحث و بررسی هستند. یافته‌های توصیفی حکایت از ضعف مشارکت در شبکه‌های اجتماعی دارند به طوری که در حدود ۷۰ درصد از

حجم نمونه مورد بررسی مشارکت ضعیف و متوسط رو به پایینی در شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی دارند. در نتیجه، میزان حمایت اجتماعی مطلوبی که با مشارکت در این شبکه‌ها و بسط پیوندهای اجتماعی نصیب اعضای شبکه می‌شود، تنزل یافته و احساس تنهایی در بُعد وسیع تری تجربه می‌شود. از سوی دیگر، توصیف متغیر احساس تنهایی نیز نشان می‌دهد که بالغ بر ۸۰ درصد از شهروندان تهرانی در حد متوسط و متوسط رو به پایین در زندگی روزمره خود، احساس تنهایی را تجربه می‌کنند. در این میان، تجربه احساس تنهایی اجتماعی که نسبت به ابعاد عاطفی و خانوادگی مقادیر بالاتری را نشان می‌دهد، جنبه‌های ضعیف مشارکت افراد در شبکه‌های اجتماعی رسمی را پر رنگ تر جلوه می‌دهد.

در بعد تحلیلی و در چهارچوب انتظارات نظری، فرضیات مورد نظر مورد تأیید قرار گرفتند؛ به طوریکه یافته‌ها نشان از آن دارند که رابطه میان میزان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و میزان حمایت اجتماعی دریافتی، رابطه‌ای معنادار، مثبت و مستقیم می‌باشد؛ به عبارتی به هر اندازه که میزان مشارکت افراد در شبکه‌های اجتماعی افزایش پیدا کند، به همان میزان بر دامنه روابط و پیوندهای اجتماعی آنها افزوده گشته و حمایت‌های اجتماعی گسترده تری را دریافت می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی وسیع و متنوع، حمایت اجتماعی بالاتری مهیاء کرده و فرد را در مقابل استرس‌ها و انواع آسیب‌های روانی و اجتماعی پشتیبانی می‌کنند. از سوی دیگر یافته‌ها نشان دادند که ارتباط میان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و میزان شیوع احساس تنهایی نیز رابطه‌ای معنادار، منفی و معکوس می‌باشد. به طور کلی، هر شکل از روابط (در قالب شبکه‌های اجتماعی)، کارویژه‌ای معین در جهت کاستن از احساس تنهایی را به انجام می‌رساند (لیتواک و سزلینی<sup>۱</sup>، ۱۹۶۹). همسر، دختران و پسران، نوه‌ها، خواهران و برادران و دیگر اعضای خانواده، دوستان، همکاران و همسایه‌ها، شبکه‌ی ناهمگنی را تحقق می‌بخشند که این شبکه اولین مرحله در تضمین مزایای تعلق به مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی به هم پیونددهنده برای افراد تلقی می‌گردند (دی‌کسترا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). در مجموع، عضویت و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی منجر به تعلق فرد به مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی به هم پیونددهنده می‌گردد و با درگیری اجتماعی وی در این ساختارها از انزوای اجتماعی و احساس تنهایی ممانعت به عمل می‌آید؛ به عنوان مثال عضویت در انجمن‌های داوطلبانه مانند انجمن‌های ورزشی طیف وسیعی از روابط اجتماعی پیونددهنده را برای افراد مهیاء می‌کند. سومین فرضیه مورد نظر در مطالعه حاضر، بررسی ارتباط میان میزان حمایت دریافتی واقعی و

<sup>۱</sup>. Litwak & Szelenyi

<sup>۲</sup>. Dykstra

سطح شیوع احساس تنهایی در میان شهروندان شهر تهران بوده که بررسی‌های آماری، نشان دهنده تأیید این فرضیه (رابطه منفی و معکوس) می‌باشند. مطالعات گذشته نشان داده‌اند که حمایت اجتماعی یکی از عواملی است که نقشی مهم در کاهش احساس تنهایی در نوجوانان، دانشجویان دانشگاه (بیلماز و دیگران، ۲۰۰۸)، بزرگسالان و سالخوردگان (دونگ و همکاران، ۲۰۰۹) دارد. جی رکا<sup>۱</sup> و دیگران (۱۹۹۶) بر این عقیده‌اند که نظام حمایت اجتماعی، بهتر می‌تواند رخداد احساس تنهایی را تقلیل بدهد. نظام حمایت اجتماعی در واقع شبکه‌ای اجتماعی می‌باشد که کمک می‌کند تا مزایایی برای افراد در جهت سازگاری با مشکلات فراهم شود و فرد را بر این باور سوق می‌دهد که مورد توجه و علاقه‌ی دیگران است و برای آنها با ارزش تلقی می‌گردد. بدین طریق، همچنانکه سیمن<sup>۲</sup> و دیگران و بسیاری از محققان اشاره نمودند حمایت اجتماعی باعث شکل‌گیری تعهدات متقابل می‌شود و حالتی ایجاد می‌کند که شخص احساس دوست داشته شدن، مراقبت و عزت نفس کرده و در نتیجه احساس تنهایی کمتری را تجربه می‌کند (برکمن<sup>۳</sup> و برسلو، ۱۹۸۳؛ برکمن و سایم<sup>۴</sup>، ۱۹۷۹؛ ۱۹۹۳، معتمدی شلمزاری و دیگران، ۱۳۸۱).

در مجموع بررسی وضعیت اجتماعی کلانشهر تهران، یافته‌های مطالعه حاضر و فرایندهای مرتبط با تحرکات شدید جغرافیایی (کاهش میزان مکانمندی و احساس تعلق به اجتماع)، تحرکات اجتماعی (قرار گرفتن در معرض تغییرات شدید اجتماعی - فرهنگی و مواجه شدن با سنت‌ها و سبک‌های زندگی جدیدی که ایجاد تعلق اجتماعی را دشوار می‌سازند)، تحرکات خانوادگی (نرخ بالای طلاق و خانه‌های از هم گسسته) و در نهایت تضعیف پیوندهای اجتماعی، نشان می‌دهند که همبستگی، تعامل، مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و میزان حمایت اجتماعی در کلانشهر تهران از وضعیت نامطلوب و نگران‌کننده‌ای برخوردار بوده، در نتیجه بروز انواع مسائل اجتماعی-روانی از قبیل انزوای اجتماعی و احساس تنهایی را گریز ناپذیر کرده و به همراه خود، غریبگی اجتماعی را در شهر توسعه می‌دهد. در همین راستا، می‌توان پیشنهادات زیر را در جهت کاهش میزان احساس تنهایی در کلانشهر تهران ارائه داد:

- فزاسازی اجتماعی مناسب جهت ایجاد انجمن‌های اجتماعی و فرهنگی محلی در راستای ایجاد و تحکیم شبکه‌های اجتماعی.

1. Jirka

2. Simen

3. Berkman

4. Syme

- ساخت و تدوین برنامه‌های تصویری در قالب‌های مختلف (نظیر فیلم‌های سینمایی، سریال و برنامه‌های کودک) جهت ایجاد فرهنگ جمع‌گرایی و نهادینه‌سازی آن.
- تدوین برنامه‌ی مناسب جهت استفاده از ظرفیت زمان‌های بلااستفاده محیط شهری جهت فرهنگ‌سازی اهمیت پیوندهای اجتماعی.
- افزایش اطلاع‌رسانی‌ها در جهت مشارکت بیشتر افراد در گروه‌های ادبی - هنری، انجمن‌های علمی، فرهنگ‌سراها و ... در جهت بسط شبکه‌ها میان فردی و توسعه حمایت‌های اجتماعی.



## منابع

۱. امام‌جمعه‌زاده، جواد، صادقی نقدعلی، زهرا، محموداوغلی، رضا و رهبرقازی، محمود رضا. (۱۳۹۲). سنجش رابطه شبکه‌های اجتماعی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان. نشریه زن در توسعه و سیاست. ۱۱(۲)، ۲۳۶-۲۲۳.
۲. باستانی، سوسن و صالحی‌هیگویی، مریم. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی شبکه‌ها و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه‌های اجتماعی زنان و مردان در تهران. نامه علوم اجتماعی. ۳۰، ۹۵-۶۳.
۳. جوکار، بهرام و سلیمی، عظیمه. (۱۳۹۰). ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه مقیاس احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان. مجله علوم رفتاری، ۵(۴)، ۳۱۷-۳۱۱.
۴. چلپی، مسعود. (۱۳۷۲). وفاق اجتماعی. مجله نامه علوم اجتماعی، ۳(۲)، ۲۸-۱۵.
۵. زبردست، یلدا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی و میزان رضایت از زندگی در میان سالمندان (مطالعه‌ی موردی شهرستان جهرم). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی و رفاه اجتماعی دانشگاه تهران.
۶. سفیری، خدیجه، باستانی، سوسن و قرانی دامداجا، لیلا. (۱۳۹۲). سنجش رابطه حمایت شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی و رضایت شغلی زنان در شهر اردبیل. نشریه زن در توسعه و سیاست. ۱۱(۲)، ۲۷۴-۲۵۳.
۷. شهرسبزی، مینا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه توانایی حل مسئله با حمایت اجتماعی در نوجوانان شهر شیراز. (پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی).
۸. عبدالهی، محمد و میرطاهر، موسوی. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. ۶(۲۵)، ۲۳۳-۱۹۵.
۹. قدسی، علی محمد. (۱۳۸۲). بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین حمایت اجتماعی و افسردگی. (رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس).
۱۰. کامران، فریدون و ارشادی، خدیجه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی شبکه و سلامت روان. فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی. ۲(۳)، ۵۴-۲۹.
۱۱. محمدی، الهام، فکرازاد، حسین و سجادی، حمیرا. (۱۳۹۱). گونه‌شناسی شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی در سالمندان. فصلنامه مددکاران اجتماعی متخصص. ۱، ۱۵۸-۱۳۵.

۱۲. محمدی مجد، داریوش. (۱۳۸۷). *احساس تنهایی و توتالیتریزم: پژوهشی در جامعه شناسی ایران*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۱۳. محسنی، منوچهر، دوران، بهزاد و سهرابی، محمد هادی. (۱۳۸۵). بررسی اثرات استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی کاربران اینترنت (در میان کاربران کافی نت های تهران). *مجله جامعه شناسی ایران*. ۷(۴)، ۷۲-۹۵.
۱۴. معتمدی شلمزاری، عبدا...، اژه‌ای، جواد، آزاد فلاح، پرویز و کیان منش، علیرضا. (۱۳۸۱). بررسی نقش حمایت اجتماعی در رضایت‌مندی از زندگی، سلامت عمومی، احساس تنهایی در بین سالمندان بالاتر از ۶۰ سال، *مجله روان شناسی*. ۶(۲)، ۱۱۱-۱۳۵.
15. Bowling, A. (1994). Social networks and social support among older people and implications emotional well-being and psychiatric morbidity. *Int Rev Psychiatry*.(6), 41-58.
16. Berkman, L. J., Syme, S. L. (1979). Social Networks, lost resistance and mortality: nine-year follow-study of Alameda County residents. *American Journal of Epidemiology*. 109, 257-273.
17. Carolin, B. (2000). *Migration Theory: Talking Across Disciplin*. New Yor: Roulades.
18. DiTommaso, E., Brannen, C., Best, L. A. (2004). Measurement and validity characteristics of the short version of the social and emotional loneliness scale for adults. *Educ Psychol Meas*. 64(1), 99-119.
19. Dykstra, P. A. (1990). *Next of (non) kin: the importance of primary relationships for older adults' well-being*. Amsterdam/Lisse: Swets & Zeitlinge.
20. Dugan, E. Kivett, V. R. (1994). The importance of emotional and social isolation to loneliness among very old rural adults. *Gerontologist*. 34, 340-346.
21. Dong, X., Beck, T., & Simon, M. A. (2009). Loneliness and mistreatment of older Chinese women: Does social support matter. *Journal of Women and Aging*. 21, 293-302.
22. Duru, E. (2008). The Predictive Analysis of Adjustment Difficulties from Loneliness, Social Support, and Social Connectedness. Kuram ve Uygulamada Eğitim Bilimleri. *Educational Sciences: Theory & Practice*. 8 (3), 849-856.
23. Granovetter, M. (1973). The Strength of Weak Ties. *American Journal of Sociology*. 78, 201-233.
24. Green, L. R., Richardson, D. S., Lago, T., & Schatten-Jones, E. C. (2001). Network correlates of social and emotional loneliness in young



- and olderadults. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 281–288.
25. Holme'n, K. Furukawa, H. (2002). Loneliness, health and social network among elderly people: a follow-up study. *Archives of Gerontology and Geriatrics*. 35(3), 261–74.
  26. Ishii-Kuntz, M. (1987). The Impact of Informal Social Support on Wellbeing: Comparison accross Stage of Adulthood. *Journal of nursing science quarterly*.
  27. Jirka J., etal. (1996). Loneliness and social support in infertile couples, *Jognn*. 25(1), ۵۵-۶۰.
  28. Kurtosi, Z. (2004). Aspects of Gender in Social Network, Social Identity, Information and Markets. *Proceeding of Faculty of Economics and Business Administration*.
  29. Litwak E., Szelenyi, I. (1969). Primary groups structures and their functions: kin, neighbours, and friends. *American sociological association*. 34, 465–81.
  30. Litwain, H. (2001). Social Network type and morale in old age. *The gerontologist*. 41(4).
  31. Oshagan, H., Allen, R. L. (1992). Three loneliness scales: An assessment of othermeasurement properties. *Journal of Personality Assessment*. 59, 380–409.
  32. Peplau, L. A., Perlman, D. (1982). *Perspectives on loneliness*. In L. A. Peplau & D. Perlman (Eds). *Loneliness: sourcebook of current theory, research, and therapy*. (Pp. 1-20). New York: Wiley and Son.
  33. Salimi, A., Bozorgpour, F. (2012). Percieved Social Support and Social-Emotional Loneliness. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 69, 2009 – 2013.
  34. Walzer, Michael. (1990). TheCommunitarian Critique of Liberalism. *Political Theory*. 18(1), 6-23.
  35. Wang, g., Zhang, X., Wang, K., Li, Y., Shen, Q., Ge, X., Hang, W. (2011). Loneliness among the rural older people in Anhui, China: prevalence and associated factors. *International Journal of Geriatric Psychiatry*. 26, 1162–1168.
  36. Weiss, R. S. (1973). *Loneliness: the experience of emotional and social isolation*. Cambridge, Mass: MIT Press.
  37. Weiss, R.S. (1974). *The provisions of social relationships*. In: Rubin, Z.(eds) *Doing unto others Joining, molding, conforming, helping, loving*. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, 17–26.

38. Wellman, B. (1988). *The community question re-evaluated*. 81-107. In power, community and the city, M.P. Smith (ed.). New Brunswick, NJ: Transaction Books.
39. Wleeman, B. (1992). Which Type of Ties and network Provide what kinds of Social Support? *Centre for Urban and Community Studies: University of Toronto*. 9, 1-33.
40. Wenger, G. C., Davies, R., Shahtahmasebi, S., Scott, A. (1996) Socialisolation and loneliness in old age: review and model refinement. *Cambridge journal: Ageing and Society*. 16, 333-358.
41. Yılmaz, E., Yılmaz, E., & Karaca, F. (2008). Examining the level of social support and loneliness of university students. *International Journal of Genel Tip Dergisi*. 18(2), 71-79.

